

تیم ملی در جدال با کره شمالی نشان داد باید نگران آینده بود

پیکانیک با بچه‌های پیونگ‌یانگ

با وجود برد، ضعف‌های بزرگ تیم ملی آشکار شد

نمره مدیریت بحران در تیم ملی: صفر!



محمد رضا عبد الرزاق خبرنگار گروه ورزش

دیدار تیم‌های ملی ایران و کره شمالی از هفته پایانی دور رفت گروه نخست مقدماتی جام جهانی ۲۰۲۶ در منطقه آسیا در حالی با برتری نزدیک شاگردان قلعه نویی هیره شد که تیم ملی در نیمه اول با بازی مسلط و هجومی خود توانست سه گل توسط مهدی قایدی و محمد محبی (۲ گل) به ثمر برساند. اما نیمه دوم با افت عملکرد و اشتباهات دفاعی، به کره شمالی این فرصت را داد تا به بازی برگردد و چه بسا اگر تیم امیر قلعه‌نویی همانطور که خودش در پایان مسابقه گفت خوش شانس نبود، به جای برتری ۳ بر ۲ و کسب ۳ امتیاز، در پایان مسابقه نتیجه دیگری روی اسکر بوردر نقش می‌بست! این در شرایطی است که بعد از این دیدار کاشش تمرکز و ضعف در مدیریت بازی، به ویژه پس از ۱۰ نفره شدن ایران به دلیل اخراج شجاع خلیل‌زاده، مورد انتقاد بسیاری از اهالی فوتبال قرار گرفت و نمایش تیم ما بخصوص در نیمه دوم نشان داد باید نگران آینده این تیم بخصوص در دیدارهای بزرگ و مهم بود. اما اینکه در دو نیمه متفاوت برای تیم ایران در جریان کامل این مسابقه چه گذشت و چه نکات کلیدی در هر نیمه وجود داشت را در ادامه این گزارش و با یک نقد فنی و تحلیلی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

کاشش تمرکز و اشتباهات متعدد

ایران با استفاده از تاکتیک‌های هجومی و پاسکاری سریع، مالکیت بازی را در نیمه اول در دست گرفت و در این نیمه قایدی و محبی نقش کلیدی در خلق موقعیت‌ها و گلزنی برای تیم ملی ایفا کردند و در مجموع شاگردان قلعه‌نویی نیمه‌ای با عملکردی عالی را پشت سر گذاشتند اما پس از اکت تیم ملی در نیمه دوم؛ با فشار کره شمالی و کاشش تمرکز ایران، این امر منجر به اشتباهات متعددی شد که به حریف اجازه داد فاصله را کاهش دهد. البته اخراج شجاع خلیل‌زاده در دقایق ابتدایی نیمه دوم این دیدار به طور واضح جریان بازی را به نفع کره تغییر داد و تیم ملی را مجبور به بازی تدافعی کرد؛ هرچند انتقاداتی هم به عملکرد دفاعی و تمرکز تیم در دقایق پایانی مطرح شد. به طور کلی، این بازی نشان داد که تیم ملی ایران همچنان در مدیریت بازی و حفظ برتری در شرایط بحرانی نیاز به تقویت و پیشرفت دارد.

۳ اتفاقی که با کارت قرمز خلیل‌زاده رخ داد

در نیمه دوم و بعد از اخراج شجاع خلیل‌زاده، کار برای تیم ملی ایران سخت شد و اگر خوش شانس نبودیم شاید گل مساری راهم در دقایق پایانی می‌خوریدیم. اینکه اخراج و ۱۰ نفره شدن ایران جقدر روی عملکرد، نتیجه و روند بازی در نیمه دوم تأثیرگذار واقع شد، به نظر می‌رسد کارت قرمز شجاع در نیمه دوم تأثیرات چشمگیری بر روند بازی ایران و کره شمالی گذاشت. تحلیل این اتفاق از سه جنبه قابل بررسی است.

۱- اختلال در ساختار دفاعی: با خروج خلیل‌زاده، که یکی از مدافعان کلیدی ایران بود، خط دفاعی تیم ملی انسجام خود را از دست داد. بازیکنان کره شمالی به سرعت از این ضعف استفاده کردند و فشار خود را روی خطوط دفاعی افزایش دادند. این وضعیت منجر به دو گل برای کره شمالی بعد از اخراج و خلق موقعیت‌های متعدد برای این تیم در دقایق پایانی بازی شد.

۲- افزایش فشار روانی: ۱۰ نفره شدن ایران در نیمه دوم باعث شد تمرکز

بازیکنان به ویژه در خط میانی و دفاع کاهش یابد. این مسئله منجر به اشتباهات متعدد در پاسکاری و پرسینگ شد و کره شمالی توانست در این نیمه به دروازه ایران نزدیک شود. به گفته طارمی، تمرکز تیم پس از اخراج به شدت افت کرد و همین امر فضای بیشتری برای کره فراهم کرد.

۳- تغییر استراتژی تیمی: پس از اخراج، امیر قلعه‌نویی مجبور شد تاکتیک تیم را به دفاعی تغییر دهد. بازیکنان در عمق زمین جمع شدند تا از برتری حفظ شده دفاع کنند اما این رویکرد باعث کاهش حملات ایران و کنترل بیشتر کره شمالی بر بازی شد. آمار نشان می‌دهد کره در نیمه دوم، مالکیت توپ را به طور محسوسی افزایش داد و موقعیت‌های خطرناک‌تری خلق کرد.

تأثیر اخراج شجاع روی روان تیم ملی

بنابراین تیم ملی ایران با وجود عملکرد ضعیف‌تر در نیمه دوم، توانست با مدیریت نسبی از دریافت گل جلوگیری کند؛ هرچند اگر کره شمالی کمی دقت بیشتری در فرصت‌های خود داشت، نتیجه بازی طور دیگری رقم می‌خورد. در این دیدار اخراج شجاع نه تنها ساختار دفاعی، بلکه روان تیم را به طور کلی تحت تأثیر قرار داد. این مسئله نشان دهنده اهمیت مدیریت شرایط بحرانی و تقویت ذهنیت بازیکنان برای بازی در شرایط خاص است. همچنین عملکرد علیرضا بیرانوند و خط دفاعی ایران در مقابل کره شمالی یکی از نقاط ضعف این دیدار بود، به ویژه در نیمه دوم که تیم دچار افت کلی شد. بیرانوند که همیشه به عنوان دروازه‌بانی با واکنش‌های سریع شناخته می‌شود، در این بازی چندین بار در دفع توپ‌ها مردد عمل کرد. به ویژه در نیمه دوم، کره شمالی با دو گل که ناشی از ضعف دفاعی و عدم هماهنگی دروازه‌بان بود، توانست نتیجه را نزدیک کند. همچنین بیرانوند که معمولاً در آغاز حملات ایران با پاس‌های بلند مؤثر عمل می‌کند، در این بازی دقت لازم را در این بخش نداشت. این گلر تقریباً روی هر دو گل خورده نقش مؤثری را ایفا کرد. همچنین با اخراج خلیل‌زاده، دفاع ایران به طور محسوسی نظم خود را از دست داد. در ادامه کنعانی‌زادگان هم نتوانست جای خالی شجاع را پر کنند و در برخی صحنه‌ها متعلق این بازیکن به همراه سایرین موجب ایجاد فرصت برای کره شمالی شد. در این دیدار مدافعان ایران در نیمه دوم نتوانستند بازیکنان سرعتی کره را کنترل کنند. این ضعف به خصوص در موقعیت‌های یک به یک مشهود بود و موجب شد فشار زیادی در دروازه وارد شود!

به طور کلی این ضعف‌ها باعث شدند کره شمالی در نیمه دوم اعتماد به نفس بیشتری پیدا کند و مالکیت توپ را در اختیار بگیرد. اگرچه خوش شانس‌ی در چند صحنه مانع دریافت گل سوم شد، اما این عملکرد در مجموع برای تیمی در سطح ایران قابل قبول نبود. در واقع خط دفاعی ایران و بیرانوند در این بازی هماهنگی و تمرکز کافی را نداشتند و به نظر می‌رسد تمرینات تاکتیکی بیشتری برای شرایط بحرانی و بازی‌های فشرده لازم است تا چنین نقاط ضعفی به حداقل برسد.

نیاز طارمی به بهبود مدیریت ذهنی احساسات!

مهدی طارمی، مهاجم کلیدی تیم ملی در دیدار مقابل کره شمالی عملکردی متفاوت از انتظارات همیشگی داشت. او در نیمه اول با دوندگی و پاس‌های دقیق خود به خلق موقعیت‌ها کمک کرد اما در نیمه دوم دچار افت عملکرد شد؛ مهاجم این تیم میلان که نقش برجسته‌ای در خلق موقعیت برای تیم ملی در نیمه اول این دیدار داشت و تأثیر مهمی در طراحی حملات ایران ایفا کرد، با هت‌تریک در پاس گل، یکی از عوامل اصلی برتری سه‌گانه ایران در این نیمه

بود. همچنین طارمی با حرکت بدون توپ و با حرکات هوشمندانه، فضای مناسبی برای دیگر مهاجمان مانند محمد محبی و مهدی قایدی در این نیمه ایجاد کرد. این درحالی است که کاهش تمرکز این بازیکن در نیمه دوم موجب افت عملکرد فنی او شد تا جایی که پس از اخراج شجاع خلیل‌زاده، طارمی نتوانست همان کارایی نیمه اول را ارائه دهد. او در برخی لحظات کلیدی تصمیمات اشتباهی گرفت و نتوانست از فرصت‌هایی که داشت به درستی استفاده کند. گل به خودی و از دست دادن پنالتی حساس نیمه دوم به خوبی این امر را به اثبات رساند که مهاجم مطرح تیم ملی از تمرکز کافی در نیمه دوم برخوردار نیست.

دم‌جمع و اینکه عملکرد طارمی در این دیدار نشان داد

او همچنان مهاجمی مؤثر در حمله به شمار می‌رود، اما باید در مواجهه با شرایط دشوار و بحرانی (مانند کاهش تعداد بازیکنان) انعطاف‌پذیری بیشتری از خود نشان دهد. شاید اگر او در نیمه دوم آرامش و تمرکز بیشتری داشت، می‌توانست نقش مؤثرتری در حفظ فشار روی دفاع کره شمالی ایفا کند. طارمی هرچقدر در نیمه اول یکی از بهترین بازیکنان زمین بود، اما نیمه دوم برای او به دلیل کاهش تمرکز و فشار روانی، متفاوت پیش رفت.

محبی در مسیر ستاره جهانی شدن!

محمد محبی در بازی ایران مقابل کره شمالی به وضوح یکی از درخشان‌ترین بازیکنان زمین بود و مثل دیدار قبل عملکرد فوق‌العاده‌ای از خود نشان داد. او با دو گل و یک نمایش هجومی تحسین برانگیز توانست تأثیر زیادی در نتیجه بازی بگذارد. این بازیکن در دیدار قبلی مقابل قطر هم دبل کرده بود تا نشان دهد همچنان در مسیر پیشرفت قرار دارد. محبی در این بازی با دو گل، سهم عمده‌ای در پیروزی تیم ملی داشت. گل دوم او که با شوتی دقیق وارد دروازه کره شمالی شد، نشان از قدرت تکنیکی بالا و توانایی در استفاده از موقعیت‌های محدود داشت. همچنین این بازیکن با حرکات هوشمندانه خود توانست فضاهای مناسبی برای مهاجمان و هافبک‌ها ایجاد کند و در نتیجه فشار زیادی به خط دفاعی حریف وارد کرد. با توجه به سن پایین و توانایی‌های فنی محبی، کارشناسان و تحلیلگران فوتبال معتقدند که او آینده روشنی در فوتبال ایران و حتی آسیا دارد. این بازیکن با سرعت و تکنیک فردی بالا، همچنان می‌تواند یکی از

بازیکنان اصلی تیم ملی در مراحل بعدی مسابقات باشد. علاوه بر آن، محبی نشان داده است در موقعیت‌های حساس می‌تواند عملکردی مؤثر از خود به نمایش بگذارد. عملکرد عالی این مهاجم خوش تکنیک جنوبی در این دیدار، علاوه بر اینکه نقطه عطفی در موفقیت ایران بود، او را به یکی از بازیکنان با پتانسیل بالا در آینده تیم ملی تبدیل کرد. اگر او همچنان به پیشرفت خود ادامه دهد، احتمال درخشش در لیگ‌های بزرگ و تبدیل شدن به ستاره‌های جهانی به مانند مهدی طارمی برای او دور از دسترس نخواهد بود.

مصطفی هاشمی طبا در گفت‌وگو با «فرهیختگان» با انتخاب سرپرست برای فدراسیون‌ها تحت هر شکلی مخالفم

وزارت ورزش موضوع انتخابات فدراسیون‌ها را پیچیده نکند

بوی خوبی از تصمیم جدید به مشام نمی‌رسد



مهدی منصرف خبرنگار

مجمع عمومی و سالیانه فدراسیون شمشیربازی در هفته گذشته برگزار شد و احمد دنیامالی، وزیر ورزش و جوانان برای اولین بار با حضور در این مجمع ریاست مجمع را برعهده گرفت. حضور سرزده وزیر ورزش و جوانان و اظهارات او البته خیلی سریع با حواشی بسیاری مواجه شد و در روزهای گذشته شاهد واکنش رسانه‌ها و کارشناسان نسبت به تصمیم جدید وزارت ورزش بودیم. داستان از این قرار بود که دنیامالی پس از مجمع در جمع خبرنگاران عنوان کرد: «وقتی مدت ۴ ساله ریاست فدراسیون تمام شد، رئیس کنار بیروت تا سرپرست بگذاریم. از آن طرف وقتی سرپرست می‌گذاریم در یک مدت کوتاه باشد. مثل شورای شهر و انتخابات نمایندگی مجلس از روز اول مدت ثبت نام، رسیدگی‌های فنی، رسیدگی حراستی، تأیید صلاحیت و اعتراضات و در نهایت زمان انتخابات را اعلام می‌کنیم و تغییر ناپذیر است. آمدم که ابتدا قانون را در وزارت ورزش و فدراسیون‌ها حاکم کنم. بعد وقتی قانون‌مدار و قانون‌مند باشیم و سیستم را به سمت انضباط ببریم، قطعاً در توسعه ورزش همگانی و قهرمانی موفق خواهیم شد».

این اظهارات در شرایطی از سوی دنیامالی مطرح شد که در قانون و اساسنامه فدراسیون‌های ورزشی هیچ اختیاری به وزیر ورزش برای انتخاب سرپرست داده نشده است. ضمن اینکه آیین‌نامه و وثاقت و امانت به تصویب اعضا رسیده است که در آن به صراحت عنوان شده که فرآیند ثبت نام از نامزدهای ریاست باید از ۴ ماه قبل از پایان دوره ریاست آغاز شود. از طرفی این اتفاق در صورتی که اجرایی شود دست کاندیدها و افراد را برای شکایت و ابطال انتخابات باز خواهد گذاشت و حتی می‌تواند با کشیده شدن این جریان به فدراسیون‌های جهانی و خلق تعلیق را نیز برای فدراسیون‌ها افزایش دهد.

در ادامه با افزایش واکنش‌ها و مطرح شدن اینکه وزیر ورزش اختیاری برای انتخاب سرپرست برای فدراسیون‌های ورزشی ندارد، محمد شروین اسبقیان، معاون توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای وزارت ورزش و جوانان عنوان کرد: «به استناد مصوبه ۱۴ مهر ۹۸

هیئت وزیران و همچنین ۱۵ دیهشت‌ماه ۱۴۰۰، طی این مصوبه وزیر ورزش و جوانان به عنوان رئیس مجمع انتخاب شده است و به استناد تبصره یک بند ۱۶ ماده ۱۳ این اختیار را دارد در صورتی که رئیس فدراسیونی برگزار شود، بیش از ۳ ماه غایب باشد و در مجامع حضور نداشته باشد، رئیس مجمع که همان وزیر ورزش است، می‌تواند سرپرستی تعیین کند.» این اظهارات در حالی از سوی معاون قهرمانی وزارت ورزش مطرح شد که به نظر می‌رسد استناد او و وزیر ورزش به این بند اشتباه است. در این بند گفته شده در صورتی که رئیس عزل شود یا استعفا کند یا غیبت داشته باشد یا حکمی از سوی مراجع ذی صلاح صادر شود؛ وزیر ورزش می‌تواند فرد جدیدی را انتخاب کند. مشخص نیست چگونه معاون قهرمانی در حالی که این بند کاملاً مشخص است، تصمیم اخیر را به آن ارتباط داده است. از طرفی نه در این بند و تبصره و نه در هیچ قسمتی از اساسنامه اشاره نشده که وزیر ورزش، رئیس مجمع است. رئیس مجمع هر فدراسیونی در داخل مجمع و با رأی‌گیری میان اعضا مشخص و معرفی می‌شود؛ حال این فرد می‌تواند رئیس فدراسیون باشد یا وزیر ورزش یا یکی از معاونانش.

در خصوص این اتفاقات پای صحبت سید مصطفی هاشمی طبا نشستیم تا نظرات او را در خصوص تصمیم جنجالی وزارت ورزش مطلع شویم. گفت‌وگویی «فرهیختگان» با بوی که سابقه معاونت رئیس جمهور، ریاست سازمان تربیت بدنی و ریاست کمیته ملی دارد را از نظر می‌گذرانید.

اظهارات وزیر ورزش در خصوص انتخاب سرپرست برای فدراسیون‌هایی که دوره ۴ ساله ریاست آن‌ها به پایان رسیده است در هفته گذشته حواشی بسیاری به دنبال داشت. نظر شما در این خصوص چیست؟

بیشتر معاون قهرمانی وزیر ورزش در این خصوص توضیح داد که در توضیحات نه درست بود و نه کافی. واقعاً نمی‌دانم بعد از دوره ۴ ساله یک رئیس فدراسیون، سرپرست را صرفاً برای برگزاری انتخابات می‌خواهند بگذارند یا اصلاً می‌خواهند سرپرست بگذارند که این برای من مبهم است. اگر بخواهند سرپرست را برای برگزاری انتخابات بگذارند که باید گفت انتخابات فدراسیون‌ها از انتخابات ریاست جمهوری مهم‌تر نیست. در انتخابات ریاست جمهوری، رئیس جمهور وقت برگزار می‌کند و در انتخابات

آینده ریاست جمهوری را برگزار می‌کند. بنابراین طبق اساسنامه فدراسیون‌ها در شرایطی که رئیس فدراسیون حضور دارد؛ می‌تواند در مدت زمان قانونی فرآیند ثبت نام را انجام داد و انتخابات دوره آینده نیز برگزار شود و نیازی به سرپرست نیست. اگر قرار باشد که فدراسیون‌ها گلاً با سرپرست اداره شوند که انتصابی خواهد بود و خلاف اساسنامه و منشور المپیک است و من با هر دو شکل انتخاب سرپرست مخالفم.

بندی که شروین اسبقیان با استناد به آن انتخاب سرپرست را قانونی می‌داند با ابهاماتی همراه است.

به نظر می‌آید که دوستان استناد به یک نوشته دیگر می‌کنند که نمی‌دانم سطح حقوقی آن چه چیزی است و بر چه اساس می‌گویند که رئیس مجمع وزیر ورزش است. منهای همه اینها آنقدر نباید مسائل فدراسیون‌ها را بزرگ رویداد برگزاری آن را برهم بزنند. یک روالی باید باشد که طبق اساسنامه و مدت زمان مشخص شده فرآیند ثبت نام انجام و در نهایت نیز انتخابات برگزار شود. در نهایت نیز باید رئیس فعلی مجدداً انتخاب خواهد شد یا با حضور کاندیدهای دیگر، رئیس تعیین می‌کند. وزارت ورزش می‌تواند مصوبه‌ای تصویب کند که مثلاً رئیس فدراسیون نتواند بیش از دو دوره رئیس باشد و آن را محدود کند. خیلی مسئله برگزاری انتخابات فدراسیون‌ها نباید مهم باشد که آنقدر درباره آن مانور داده و سلیقه‌های مختلف به کار برده شود و از یک نوشته باعث استنباط‌های مختلف شود. انتخابات ریاست جمهوری در دنیا مهم‌ترین انتخابات است که شرایط آن تقریباً در همه دنیا یک جور است. در حال حاضر در آمریکا نیز شرایط همین‌گونه است و رئیس جمهور در شرایطی که حضور دارد انتخابات را برگزار می‌کند و رئیس جمهور بعدی می‌آید. انتخابات ریاست جمهوری در کشور ما نیز همین شکل است و قبل از پایان دوره چهارساله، همین رئیس جمهور حاضر با همکاری وزارت کشور فرآیند ثبت نام را انجام می‌دهد و انتخابات را برگزار می‌کند و پس از پایان دوره‌اش، رئیس جمهور منتخب بعدی جایگزینی می‌شود. این موضوع خیلی ساده است و به نظر وزارت ورزش آنقدر این موضوع را پیچیده نکند.

نگرانی بسیاری از کارشناسان این است که با این شرایط شاید در برخی فدراسیون‌ها دوباره شاهد ارسال گزارش به فدراسیون‌های جهانی باشیم و تبعاتی مانند تعلیق را پیش‌روی خود ببینیم. با از طرفی بسیاری از افراد با برگزاری انتخابات دوباره به دیوان عدالت اداری شکایت و انتخابات را مانند



چند رشته ورزشی که شاهد بودیم، ابطال کنند و نتیجه آن تبعات سنگینی برای ورزش کشور خواهد داشت. همانطور که گفتیم من با این رویه بسیار مخالفم. رئیس فدراسیون قبل از پایان دوره و طبق اساسنامه فرآیند ثبت نام را انجام می‌دهد و در نهایت نیز انتخابات برگزار می‌شود. اینکه بخواهیم مدام شرایط را برهم بزنیم و این کار را تکرار کنیم که برای ورزش ما فایده‌ای نخواهد داشت. روش عدم تثبیت روش‌های برگزاری انتخابات و اظهار نظرهای مختلف حقوقی کار را به جایی نمی‌رساند و اصلاً مسئله ورزش ما این نیست که چه کسی رئیس می‌شود یا رئیس نمی‌شود. مسئله ورزش ما خط‌مشی‌هایی است که باید در کشور داشته باشیم تا ورزش پیش برود.

در حال حاضر فرآیند ثبت نام از چند فدراسیون انجام شده است. به نظر شما باید روال برگزاری انتخابات این فدراسیون‌ها مانند گذشته برگزار شود یا انتخابات به تعویق بیفتد تا پس از مشخص شدن شرایط دوباره برگزار شود؟ در این خصوص باید طبق روال اساسنامه موجود و به سادگی و بدون هیچ حرف و حدیثی همه انتخابات را برگزار کرد. البته در شرایطی که رئیس وجود دارد و از پیچیده نگاه کردن موضوعات صرف‌نظر کرد. باید راحت برخورد کنیم و خیلی داستان درست نکنیم. فرقی نمی‌کند که چه کسی رئیس باشد که آنقدر حساسیت درست می‌کنیم.

بسیاری اعتقاد دارند که از این تصمیم وزارت ورزش بوی دخالت دوباره وزیر ورزش در فدراسیون‌ها به مشام می‌رسد. تحلیل شما در این خصوص چیست؟ هر بویی که باشد که بوی خوبی نیست، هر چی مسائل را پیچیده کنیم شرایط بدتر خواهد شد. باید مسائل حقوقی را ساده دید. این رئیس فدراسیون است که باید انتخابات را برگزار کند تا سرنوشت فدراسیون مشخص شود و کار مملکت به پیش برود. این شرایط خیلی جالب نیست.

عملکرد دنیامالی را در این مدت در زمینه تغییرات چگونه دید؟ تغییر جدیدی نه در دولت و نه در وزارت ورزش ندیده‌ام.

این صحبت شما این برداشت را ایجاد می‌کند انتظار اتفاقات خوب را در ورزش کشور ندارید؟ به نظر می‌آید که اینگونه باشد.